

مبارزه‌ی پیگیر برای لغو حکم اعدام امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی



خطاب به کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و روشنفکران

پرچم مبارزۍ پیگیر برای لغو حکم اعدام امیرحسین
مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی و پیکار همه
جانبه برای حذف مجازات اعدام به طور کلی را
برافراشته نگاه داریم!

کارگران انقلابی متحد ایران

تحمیل افزایش شدید قیمت بنزین به زور گلوله باران مردم، کشتار و
زخمی کردن صدها تن زن و مرد و دستگیری هزاران نفر در سراسر
ایران، بیانگر چهرۍ واقعی رژیم جنایتکار، جلاد و غارتگر اسلامی
است. افزایش قیمت بنزین مستقیم ترین راه دزدی از درآمد مردم برای
تأمین هزینه های دولتی است. این اقدام به تنهایی ماهیت عملکردهای
اقتصادی و سیاسی رژیم اسلامی را نشان می دهد. دستگاه دولتی حاکم،
که هم حامی سرمایه داران و زمینداران است و هم خودۍ سرمایه دار
و زمیندار بسیار بزرگی است، دستگاهی است که رابطه اش با مردم
متکی بر سرکوب و کشتار است. آری حکومت می خواهد که هزینهۍ این
ماشین استثمار، کشتار، اختناق و شکنجه را خودۍ استثمارشدگان،
سرکوب شدگان و قربانیان خشونت ها و جنایات همین دستگاه بپردازند!

یکی از علل این واقعیت که در جنبش آبان ماه، توده های وسیعی از مردم، بویژه توده های تهیدست، در تقریبا هم شهرهای کشور دست از جان شسته به مخالفت با فرمان ملوکانه خامنه ای برخاستند بی گمان تأثیر وخیم مستقیم این تصمیم راهزنانه بر زندگی روزانه آنها بود، تصمیمی که باعث می گردید بخش مهم و تحمل ناپذیری از مزد ناچیز کارگران و درآمد محقر دیگر توده های تهیدست صرف هزینه رفت و آمد و حمل و نقل گردد (حتی اگر تنها به این جنبه از تأثیرات افزایش قیمت بنزین بر هزینه زندگی توده مردم بسنده کنیم و اثرات آن بر افزایش قیمت دیگر کالاها و خدمات را در نظر نگیریم). اما اعتراضات مردم تنها به خاطر افزایش بهای بنزین نبود. آنچه توده های وسیع مردم را به حرکت درآورد نه تنها سه برابر شدن ناگهانی قیمت بنزین، نه تنها انجام قلدر منشانه این تصمیم ضد مردمی، بلکه انفجار خشم انباشته شد توده های مردم از کل عملکرد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ای بود که نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم در طول چندین دهه بر آنها تحمیل کرده است. مردم با مشاهدات روزانه و یا با تفکر آگاهانه پیوند میان افزایش قیمت بنزین را با کل سیاست رژیم، چه سیاست داخلی آن با غارتگری ها و اختلاس ها، با سرکوب و اختناق و قلدرمنشی سردمداران رذل حاکم، و چه سیاست خارجی اش با قربانی کردن جان هزاران تن، هزینه های کمرشکن نظامی، و تلاش های ارتجاعی دیگر برای گسترش نفوذ و هژمونی پان اسلامیسیم شیعی در منطقه می دیدند. به بیان دیگر، اعتراض به افزایش بهای بنزین نه تنها اعتراض اقتصادی سراسری، بلکه جنبشی سیاسی نیز بود که کل حاکمیت را هدف قرار داده بود. این یکی از درس های مهم این جنبش است که فهم آن و ملاحظه دقیق آن می تواند تأثیر مهم چشمگیری در تحول جنبش های آینده و ارتقای کیفی آنها داشته باشد.

اکنون پس از چندین ماه که از به خاک و خون کشیدن اعتراضات بحق مردم در آبان ۱۳۹۸ می گذرد، یکی از دادگاه های فرمایشی رژیم اسلامی ایران سه تن از تظاهرکنندگان اعتراضات آبان ماه امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی را به اعدام محکوم کرده است و بعید نیست که برای عده ای دیگر نیز همین حکم صادر شود همان گونه که امام جمعه اصفهان از احتمال صدور حکم اعدام برای ۸ تن دیگر از تظاهرکنندگان آبان ۹۸ خبر می دهد.

هدف و کارکرد اصلی صدور حکم اعدام اساسا ایجاد رعب و وحشت در میان توده مردم و نشان دادن قدرت بی منازع طبقه حاکم و سلطه آن بر جان و مال مردم است. اما توده مردم برعکس، باید با اعتراض

پیگر و وسیع، مخالفت خود را به مجازات اعدام، نشان دهند. نشان دهند که نه تنها مرعوب حکم اعدام نمی شوند، بلکه در پی لغو مجازات اعدام به عنوان یک مجازات قرون وسطایی اند، مجازاتی که تغییری در مبارزه برحق کارگران و زحمتکشان نمی دهد. هیچ کارگر و زحمتکشی و هیچ شهروند دموکراتی نیست که اعتراض به حکومت را جرم محسوب کند تا چه رسد به اینکه برای آن مجازات اعدام قایل شود. اما حتی در مورد جرایم عادی، واقعیت این است که دستگاه دولتی و سیاست و رفتار طبقات حاکم مسبب اصلی نابسامانی هایی هستند که منجر به وقوع جرم در میان شهروندان می شوند. افزون بر این روشن شده است که حکم اعدام در کاهش جرم و جنایت تأثیری ندارد.

در تاریخ اخیر ایران، اعدام هزاران تن از مبارزان سیاسی در دهه ۶۰، چیزی جز نسق گیری از تودم مردم و ایجاد رعب و وحشت در میان آنان برای ایجاد و تحکیم حکومت اسلامی به غایت ارتجاعی نبود. این اعدام های گسترده چیزی جز عاملی برای خفه کردن مبارزات سیاسی و طبقاتی و تثبیت حکومت دینی و سرمایه داری و یک دستگاه بوروکراتیک - نظامی نبود و نیست.

اما اگر حکومت اسلامی فکر می کند که با این شیوه می تواند مبارزان آزادی و دموکراسی و کارگری را سرکوب کند کاملاً بر خطاست. در آغاز روی کار آمدن رژیم حاکم چند عامل دست در دست هم داده بودند که امکان سرکوب مبارزان برای حکومت ارتجاعی اسلامی فراهم شود. این عوامل عبارت بودند از امید به آینده ای بهتر پس از انقلاب بهمن، امید به مذهبی رهایی بخش، اعتقاد تودم مردم به اینکه حکومت اسلامی تازه ایجاد شده ثمر انقلاب خود آنان است و باید آن را حفاظت کنند، باور بخش مهمی از مردم به دروغ های رژیم و غیره.

اکنون هم این امیدهای واهی با ستم های بی پایانی که این رژیم بر تودم مردم اعمال می کند، ثروت های بی اندازه ای که در دست حکومتیان جمع شده و فقر و فاقه ای که به طور وسیع دامن تودم مردم را گرفته است آری هم آن امیدهای واهی و خوشباورانه دور نخست انقلاب بهمن در ذهن تودم مردم دود شده و به آسمان رفته است. اکنون برای تودم مردم ایران روشن شده که حکومت اسلامی عامل سرکوب خواست های بحق مردم و پاسدار سلطه سرمایه داران و زمینداران و دستگاه بوروکراتیک - نظامی بر طبقات محروم جامعه ایران است.

اکنون برای کارگران، زحمتکشان و روشنفکران، مبارزه با این رژیم ضد کارگری و ضد دموکراتیک که تا مغز استخوان فاسد است به مراتب

ساده تر از گذشته است. اکنون فعالان و مبارزان کارگری می توانند بر همدردی و حمایت طبقات پایین جامعه حساب کنند. این همدردی و حمایت توده ها امکان بزرگی برای پیشبرد مبارزات طبقاتی است. از این امکان به نحوی شایسته استفاده کنیم تا گام به گام در راه انقلاب کارگری به پیش رویم. پس باید از این امکان در هم^۱ اعتصاب ها، تظاهرات های کارگران و توده های مردم برای مخالفت با مجازات اعدام و خواست لغو شکنجه و مجازات شلاق، و آزادی زندانیان سیاسی بویژه دستگیر شدگان آبان بهره گیریم. یک شرط پیروزی در این نبرد، مرزبندی با جریانات فرصت طلبی است که برای پیشبرد اهداف و خواست های ضد کارگری خود برخی شعارهای کارگری را به نفع خود مصادره می کنند.

مخالفت با مجازات اعدام و خواست لغو شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی مسایل بسیار مهمی اند که باید مبارزه ای وسیع در این زمینه ها به راه افتد. بنابراین ضروری است که کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان و دیگر بخش های تود^۲ مردم به طور عموم برای تحقق این خواست ها مبارزه کنند. کارگرانی که در کارزار اعتصاب و تظاهرات اند باید از جانب کارگران انقلابی و پیشرو، آگاه و برانگیخته شوند که این خواست ها را در تظاهرات و اعتصابات خود طرح کنند و شعارهایی روشن و قاطع در مخالفت با اعدام و شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی مطرح کنند و به گوش هم^۳ مردم ایران و جهانیان برسانند. هرچه این نوع مبارزات و تظاهرات گسترده تر شوند، یک گام مهم به ضد اعدام مبارزان دیگری که قربانیان این مجازات قرون وسطائی در آینده خواهند بود، برداشته خواهد شد، و رژیم جنایتکار حاکم را یک گام به پس خواهد نشاند. هر موفقیتی در این زمینه ها، مبارزات سیاسی، اجتماعی، اعتصابی، تظاهرات و تلاش های عملی انقلابیان را تقویت خواهد کرد و در راستای روند اعتلای مبارز^۴ انقلابی موثر خواهد بود.

کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و روشنفکران:

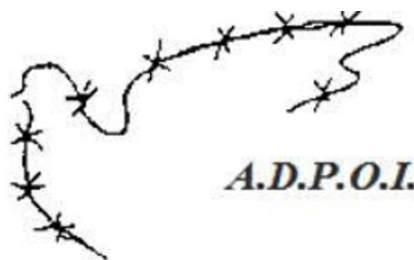
مبارز^۵ پیگر برای لغو حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی را به پیش بریم و پرچم پیکار همه جانبه برای لغو مجازات اعدام را برافرازیم!

کارگران انقلابی متحد ایران

سرکوب گسترده و محکومیت های سنگین

جمهوری اسلامی:

چند "عفو" نمایی، سرکوب گسترده و محکومیت های سنگین!



انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران؛ پاریس

شرایط خطرناک زندان های جمهوری اسلامی، به ویژه در دوران شیوع بیماری کووید-19، که بر ناامنی زندان ها افزوده است، مانع از ادامه دستگیری پر دامنه فعالان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دانشجویان، معلمان، روزنامه نگاران، فعالان محیط زیست و حامیان جنبش کارگری نشده است.

جمهوری اسلامی که از سوی افکار عمومی در درون ایران و نیز در خارج از کشور زیر فشار است، و از نظر بهداشتی با مدیریت بسیار بد واگیری ویروس کرونا، شرایط خطرناک و نامطلوبی برای مردم ایجاد کرده، از طرفی تعدادی از محکومان سال گذشته مراسم اول ماه مه و ... را "عفو" می کند. و از سوی دیگر شرایط بد اقتصادی را بر مردم تحمیل می کند. ارزش پول "ملی" چنان افت کرده که روز به روز بر تعداد مردم زیر خط فقر افزوده می شود. و رژیم، لگام گسیخته، بر سرکوب همه اقشار جامعه افزوده است.

تعداد دستگیر شدگان و محبوسان چنان زیاد شده که سازمان های مدافع حقوق بشر به هشدار پرداخته‌اند، و از جمله، عفو بین المللی کارزار جمع آوری امضا برای اعتراض به حکومت اسلامی و جهت آزادی بازداشتی ها و زندانیان به راه انداخته است.

فهرست زندانیان "جدید" یا "دوباره" به زندان رفته، طولانی است. شرایط زندانیان قبلی، از جمله خانم نرگس محمدی بسیار وخیم است. وضع بهداشتی زندان ها اسف بار است. دانشجوی ممتاز، علی یونسی در زندان به کُرونا مبتلا شده است. خانم نسرين ستوده وکیل مدافع حقوق انسانی دومین سال زندانش را می گذرانند. پژوهشگران و فعالان محیط زیست، مدت های طولانی به دلایل واهی در زندان به سر می برند. از جمله خانم هاجر سعید پس از بازداشت، به زندان سنندج منتقل شده است. دو زندانی زن، خانم ها زینب جلالیان و سهیلا حجاب که به زندان قرچک منتقل شده بودند، برای اعتراض به این اقدام غیر انسانی و شرایط نامطلوب زندان، دست به اعتصاب غذا زده اند. پیکر بی جان دانشجوی زندانی، خلیل مرادی را در کرمانشاه به خانواده اش تحویل داده اند.

دیروز، خانم سپیده قلیان، پس از تهدیدهای فراوان، دوباره به زندان منتقل شد. فاروق ایزدی پناه، محقق و مترجم بهائی را به ده سال زندان محکوم کردند.

در زمستان گذشته، پژوهشگران محیط زیست، نیلوفر بیانی و مراد طاهباز (10 سال)، هومن جوکار و طاهر قدیریان (8 سال)، امیرحسین خالقی، سپیده کاشانی و سام رجبی (4 سال) به زندان های طولانی محکوم شدند. در فروردین امسال نیز، رشید ناصرزاده خبرنگار و فعال محیط زیست به 6 سال زندان محکوم شد.

روز 31 خرداد، سه عضو کانون نویسندگان ایران، آقایان رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن با محکومیت 6 ساله به زندان فراخوانده شدند. شهرام صفری، روزنامه نگار به 91 روز حبس محکوم شد. ابوالفضل نژادفتح دانشجوی دانشگاه تهران، از بازداشتی های اعتراضات آبان 1398، به صورت غیابی به 5 سال زندان محکوم شد.

هاجر سعیدی فعال محیط زیست که همراه با چند تن دیگر از فعالان محیط زیست بازداشت شده بود، به زندان سنندج منتقل شد. فشار، تهدید و زندان و آزار فعالان محیط زیست، ماه هاست که ادامه دارد.

مسعود حکم آبادی، تهیه کننده تئاتر به 3 سال حبس محکوم شده است.

مهدی نیکبخت، شاعر، به دلیلی ناشناخته، روز 18 خرداد به قتل رسیده است.

در ادامه سرکوب جمعیت های زنان، ناهید شقاقی، اکرم نصیریان، مریم محمدی و اسرین درکاله از اعضای "ندای زنان ایران" برای تحمل 5 ماه زندان، به زندان اوین فراخوانده شده اند. راحله راحمی پور، فعال امور زنان را نیز به دادگاه فراخوانده اند.

خسرو صادقی بروجنی، جامعه شناس و روزنامه نگار حوزه کار و امور اجتماعی به 7 سال و کیوان صمیمی روزنامه نگار به سه سال زندان محکوم شده اند. دادگستری مازندران اعلام کرد که 28 مرد و 14 زن از اعضای گروه "امید آزاداندیش" را به جرم "شیطان پرستی" بازداشت کرده است.

سیامک میرزایی، فعال آذربایجانی به یک سال و 10 روز زندان محکوم شده است. زرتشت احمدی راغب، فعال مدنی بازداشت شده است. روز 27 خرداد، شاپور احسانی راد، فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران در ساوه با شش سال محکومیت، بازداشت شده است.

حیدر قربانی، شهروند کرد در شرایط نامعلومی همچنان در زندان اوین به سر می برد. آرش گنجی مترجم، منشی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران بازداشت و به زندان اوین منتقل شده است. ناصر اشجاری، فعال مدنی تهرانی به شش ماه زندان محکوم شده است.

بخش بزرگی از مردم ایران به خاطر فقر در شرایط بسیار بدی زندگی می کنند، و هر از گاهی شاهد رخداد های دهشتناکی هستیم. روز 21 خرداد، عمران روشنی مقدم، کارگر نفت، در شهر هویزه و در محیط دکل نفتی، در اثر فشار زندگی، فقر و عدم دریافت حقوق عقب مانده، خود را حلق آویز کرد.

این رخداد ها، سرکوب ها، زندان و شکنجه، هیچ انسانی را بی تفاوت نمی گذارد. جنایات رژیم جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. افشای این جنایت ها ضروری است ولی کافی نیست. نهادهای دفاع از حقوق بشر و انجمن های دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و عقیدتی موظفند بر تلاش خود بیافزایند، تا با افزایش فشار های بین المللی، در کنار اعتراضات مردم، جمهوری اسلامی را وادار به احترام به حقوق اولیه انسانی بکنند.

آمار بالا نشان می دهد که جمهوری اسلامی برای تهدید و ترساندن

مردم، به کارزار سرکوب گسترده ای دست زده است. دوشنبه 22 ژوئن، خبر رسید که چند نفر از مسئولان "جمعیت امدادگرامام علی" را دستگیر کرده اند، چرا که حتی کمک به مردم، باید در انحصار کمیته های وابسته به حکومت باشد.

ما هم آوا با مردم ایران، به این احکام زندان اعتراض می کنیم و این بازداشت ها و سرکوب ها را محکوم کرده ، از نهادهای مترقی دعوت می کنیم که نسبت به تداوم سرکوب مردم ایران واکنش نشان دهند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی- عقیدتی در ایران؛ پاریس

دوشنبه 22 ژوئن 2020 - دوم تیر ماه 1399

زینب جلالیان را خطر مرگ تهدید میکند!

مبارزه برای آزادی زینب را پی گیریم!



فراخوان گزارشگران

زینب جلالیان زندانی سیاسی که سالهاست در زندان و تحت فشار و

شکنجه جسمی و روحی بسر میبرد به ویروس کرونا مبتلا شده است. بر اساس گزارشات و بویژه از سوی خانواده وی زینب جلالیان که در زندان قرچک ورامین بسر میبرد پس از ابتلا به تنگی نفس شدید به بهداری منتقل و تشخیص پزشکی ابتلا به کرونا بوده است. این واقعه تائید تمامی هشدارهایی است که مدافعان حقوق زندانیان سیاسی و حقوق بشر در ماههای گذشته به افکار عمومی جهانیان رسانده اند. در بسیاری از زندانهای کشور ابتلای زندانیان سیاسی به ویروس کرونا گزارش شده است و ابتلای زینب جلالیان به ویروس کرونا (کووید - 19) از جمله آنهاست.

او در میان زندانیان سیاسی سنگین ترین حکم که همانا حبس ابد است را دارا میباشد. مسئولیت مستقیم حفظ جان او با رژیم جمهوری اسلامی است. زینب جلالیان از آذر ماه سال 1386 در زندان بسر میبرد و بارها به زندانهای دیگر منتقل شده است. بر اساس نظریه های برخی از نهادهای سیاسی و مدنی انتقال او به زندان قرچک ورامین هدفمند و برای سر به نیست کردن او با ابتلا به ویروس کرونا در زندان بوده است. زینب جلالیان بیش از سیزده سال در زندان است و از کوچکترین امکانات و حقوق خود از جمله مرخصی محروم بوده است.

ما فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضمن نگرانی شدید از وضعیت این زندانی سیاسی به سران جمهوری اسلامی هشدار میدهیم که مسئولیت جان وی تماماً بعهدہ حاکمیت و دستگاههای قضائی، اطلاعاتی و سازمان زندانهاست.

ما از تمامی نهادهای مدافع زندانیان سیاسی خواستاریم تا برای آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و حفظ سلامت و جان زینب جلالیان زندانی سیاسی، سیاستهای ضد بشری حاکمان را محکوم نموده و بر روند پیشرفت و گسترش این بیماری هولناک در زندانهای کشور نظارت بعمل بیاورند.

اسامی و نهادها و رسانه ها

رجوع کنید به سایت گزارشگر

www.gozareshgar.com

درخواست عفو بین‌الملل از سازمان ملل برای تحقیق درباره کشتار اعتراضات آبان ۹۸



۳۱/اردیبهشت/۱۳۹۹

عفو بین‌الملل می‌گوید دست‌کم ۳۰۴ مرد، زن
و کودک در جریان سرکوب «بهرحمانه»
اعتراضات آبان ماه کشته شده‌اند.



عفو بین‌الملل روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت از سازمان ملل متحد
خواست در مورد کشتار معترضان توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی

در آبان ۹۸ تحقیق کند.

اعتراضات آبان پارسال در پی اعلام تصمیم ناگهانی دولت برای افزایش ۲۰۰ درصدی بهای بنزین در بسیاری از شهرهای ایران روی داد، اما با سرکوب نیروهای امنیتی مواجه شد. نهادهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی همزمان با سرکوبها، شبکه اینترنت را در کشور نیز به طور کامل قطع کردند.

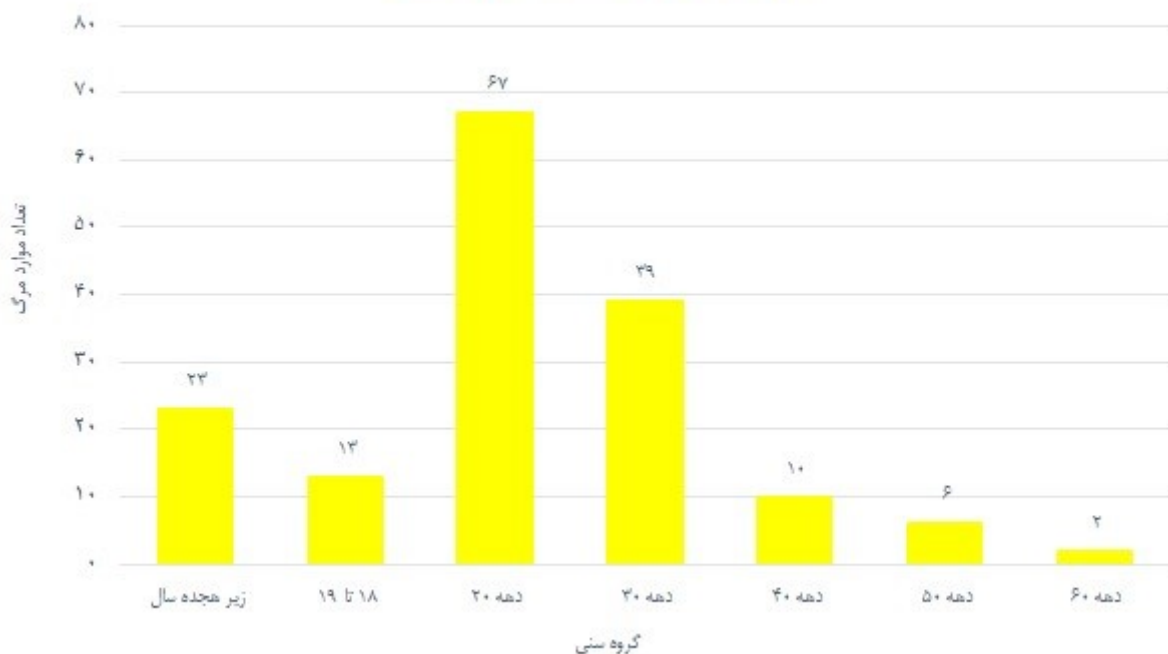
حکومت ایران تاکنون آمار قربانیان این اعتراضات را اعلام نکرده و ارقامی که از سوی منابع دیگر منتشر شده است را به عنوان آمار اغراقآمیز منابع وابسته به غرب رد کرده است.

عفو بینالملل با انتشار بیانیه‌ای گفته است: شواهدی در اختیار دارد که نشان میدهد دستکم ۳۰۴ مرد، زن و کودک در جریان سرکوب «بهرحمانه» این اعتراضات توسط نیروهای امنیتی کشته شده‌اند.

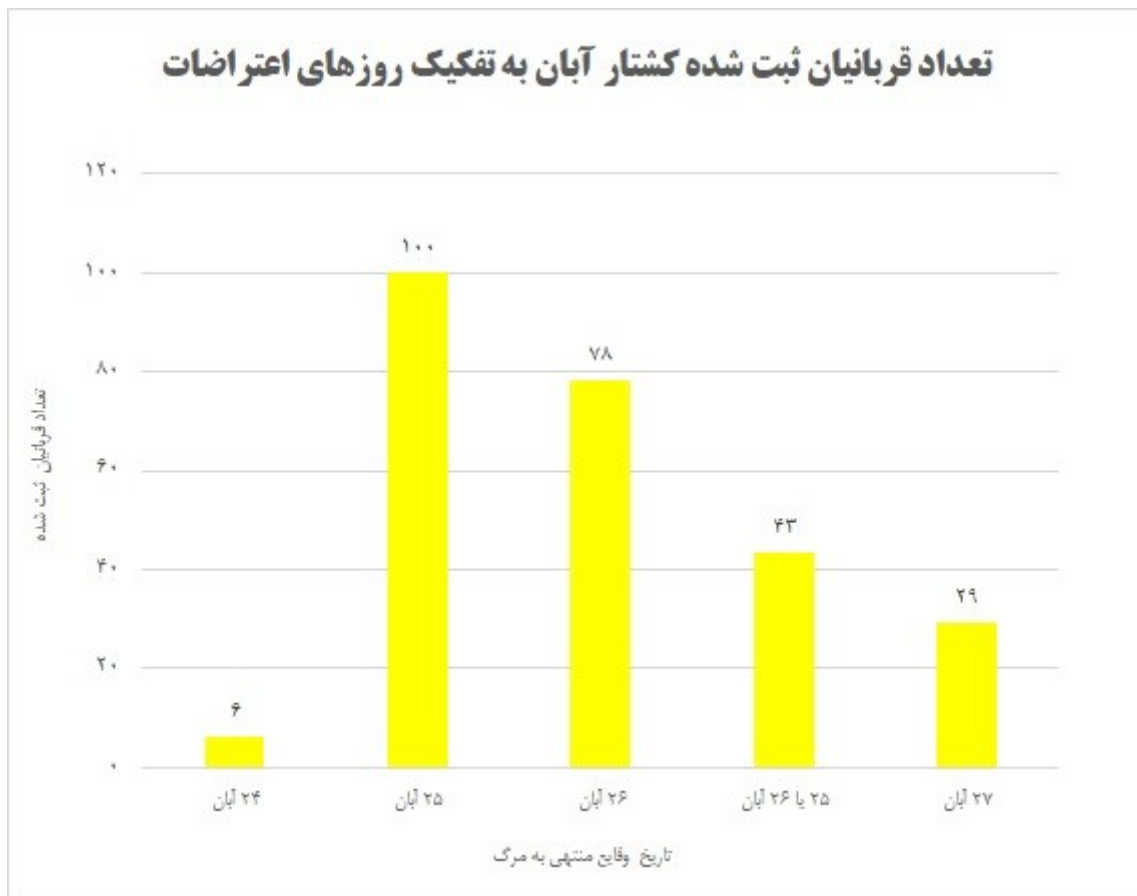
این نهاد حقوق بشری افزود: بر اساس تحقیقاتی که انجام داده، از جمله بررسی عکسها و ویدئوهای مربوط به این حوادث، ۲۲۰ نفر از قربانیان طی دو روز کشته شده‌اند

در خصوص ۱۶۱ نفر از جانباختگان، عفو بینالملل توانست به اطلاعاتی درباره سن دقیق یا تقریبی آنها دست یابد. بر اساس این یافته‌ها، دستکم ۴۲٪ جانباختگان در دهه ۲۰ زندگی‌شان و ۲۴٪ درصد در دهه ۳۰ زندگی‌شان بودند.

آمار قربانیان به تفکیک گروه سنی



بر اساس یافته‌های عفو بین‌الملل؛
 مرگ دست کم ۶ نفر از ۳۰۴ نفر مربوط به وقایع مرگبار روز جمعه
 ۲۴ آبان، روز اول اعتراضات، است؛
 ۱۰۰ نفر مربوط به روز شنبه ۲۵ آبان؛
 ۷۸ نفر مربوط به روز یکشنبه ۲۶ آبان؛
 و ۲۹ نفر مربوط به روز دوشنبه ۲۷ آبان.



عفو بین‌الملل می‌گوید: «اکثریت قریب به اتفاق» این افراد به شکل غیرقانونی توسط نیروهای امنیتی به قتل رسیده و «هیچ شواهدی» حاکی از مسلح بودن معترضان و یا تهدید جانی از سوی آنها وجود نداشت.

البته این نهاد یک مورد استثنایی را نیز خاطرنشان کرده که مربوط به درگیری مسلحانه بین ماموران و معترضان در یکی از شهرهای ایران است.

عفو بین‌الملل در بخش دیگری از بیانیه خود از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خواست تا در مورد سرکوب این اعتراضات تحقیق کند.

فیلیپ لوتر، یکی از مسئولان این نهاد، گفت: «شش ماه پس از آن حوادث خانواده‌های داغ‌دیده قربانیان با وجود آزار و تحقیر از سوی نهادهای حکومتی، به مبارزه خود برای حقیقت و عدالت ادامه می‌دهند. مصونیت عمومی و رایج نیروهای امنیتی امکان سرکوب مجدد هرگونه مخالفتی در ایران را فراهم می‌کند».

او افزود: «به دلیل فقدان هرگونه امکان پاسخگویی توسط دولت ایران ما از اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌خواهیم که در مورد این کشتار تحقیق کرده و راه‌های دستیابی به حقیقت، عدالت و جبران خسارات قربانیان را مشخص کند».

[این متن از سایت ایران فردا برگرفته شده است: 31 اردیبهشت 1399]

تلاش ایران از حفاظت از زندانیان کافی نیست

ترس از کووید ۱۹ در زندان‌ها
تلاش ایران برای حفاظت از زندانیان کافی نیست

ترس از کووید-19 در زندان‌های ایران
گزارشی از بنیاد عبدالرحمن برومند
برای حقوق بشر در ایران

[فورمت پی‌دی‌اف \(به فارسی\)](#)

نامه سندیکاهای فرانسه به علی خامنه‌ای در اعتراض به وضعیت اسماعیل عبدی و محمد حبیبی



آیت‌الله سید علی خامنه‌ای

رهبر جمهوری اسلامی ایران

دفتر رهبری

تهران، ایران

پاریس ۲۸ آوریل ۲۰۲۰

آقای رهبر،

سازمان‌های سندیکایی فرانسوی س‌اف‌د‌ت، س‌ژ‌ت، اف‌اس‌او. سولیدر،
او‌ان‌اس‌آ، توجه شما را نسبت به وضعیت هشدار دهنده معلمان
ایرانی اسماعیل عبدی و محمد حبیبی جلب می‌کند.

ما از دستگیری اسماعیل عبدی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران (تهران) مطلع شده ایم. عبدی در ۱۷ مارس از زندان آزاد می شود، اما در ۲۱ آوریل زمانی که برای تمدید مرخصی به دفتر دادستانی زندان اوین مراجعه می کند، دوباره دستگیر و زندانی می شود. با توجه به شرایط کنونی و خطر شیوع کرونا ویروس کووید-۱۹ در ایران، و وضعیت غیر بهداشتی زندان ها و بازداشتگاه ها در ایران که بر وخامت اوضاع افزوده، زندانی شدن حبیبی در چنین شرایطی جاننش را در معرض خطر جدی قرار می دهد.

آقای اسماعیل عبدی، که قصد تهیه ویزای سفر به کانادا جهت شرکت در کنگره جهانی آموزش بین الملل را داشت در ماه ژوئن ۲۰۱۵ دستگیر می شود.

محمد حبیبی، یک عضو دیگر هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران در تاریخ ۴ اوت ۲۰۱۸ به ده سال و نیم حبس محکوم شد. مضافاً آن که دادگاه او را به ۷۴ ضربه شلاق و ۲ سال ممنوعیت هر نوع فعالیت سیاسی و اجتماعی محکوم کرد. او در ماه مه در یک تظاهرات آرام دستگیر شده بود. اخیراً خانواده اش نامه اخراجش از وزارت آموزش و پرورش را دریافت کرده اند.

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، این خبرها دریافتی از ایران بسیار نگران کننده هستند.

ما سازمان های سندیکایی فرانسه:

اعمال سرکوبگرانه و اذیت و آزارهای علیه معلمان، سندیکالیست ها، فعالین مدافع حقوق کارگران و حقوق بشر، و هنرمندان در ایران را محکوم می کنیم؛

خواهان لغو همه محکومیت های غیرعادلانه و خلاف آزادی های و حقوق بنیادی هستیم. هم چنین در دوران اپیدمی ویروس کووید-۱۹ خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه سندیکالیست ها و فعالین مدافع حقوق کارگران زندانی شده به خاطر فعالیت های سندیکایی شان هستیم؛

از رژیم ایران می خواهیم که به پیمان های بین المللی که دولت ایران امضا کرده، از جمله حق ایجاد تشکل های مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب، و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد.

سلام های محترمانه ما را بپذیرید.

کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (س اف د ت)

کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)

فدراسیون سندیکائی متحد (ا ف ا س او - فرهنگیان)

اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)

اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (اونسا)

رونوشت به:

آقای حسن روحانی، رئیس جمهور

آقای ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه

آقای محسن حاج میرزایی، وزیر آموزش و پرورش

سفیر ایران در پاریس